

## بازتاب آیین پل برون (گیسوبران) در ادبیات مردم لر

حسین حسن زاده رهدار - پژوهشگر فرهنگ و ادبیات مردم لر

Rahdar123@yahoo.com

**چکیده:** "پل" در زبان لری به موی بلندی گفته می شود که بیشتر در پشت سر قرار گرفته و تا کمر آویزان شده باشد. این نوشتار به معرفی آیین پل برون و بازتاب آن در ادبیات شفاهی و همچنین شعر معاصر لری می پردازد. داده ها به روش میدانی و همچنین کتابخانه ای گردآوری شده اند. پل برون یکی از رفتار های آیینی مرتبط با مو در هنگام سوگواری است که در ایران باستان، بسیاری از اقوام جهان و همچنین فرهنگ مردم لر وجود داشته است. اصطلاح "پل بُردن" گاهی جای نفرین هم بکار می رود در حالتی که رفتار یک دختر جنبه ضد هنجار و عرف داشته باشد و در مواردی حتی برای به سخره گرفتن یک مرد خطاب می شود که اشاره ای به عقوبت اجتماعی این رفتار دارد. این بررسی نشان می دهد این آیین، با دو معنای "عزا" و "نفرین"، هم بر اشعار کهن، ضرب المثل ها و ادبیات شفاهی مردم لر و هم بر شعر معاصر لری تاثیر داشته است.

کلمات کلیدی: مو و گیسو، عزاداری، نفرین، لرستان، بختیاری، لری، لکی،

### 1. مقدمه

در این نوشتار ابتدا از آیین پل برون سخن می رود و با استفاده از گزارش های انسان شناسان و مردم نگاران و همچنین مشاهده ها و مصاحبه های میدانی نگارنده، این آیین و ریشه ها اسطوره ای و باستانی آن معرفی شود. از این آیین علاوه بر سرزمین های لرنشین و ایران باستان در میان بسیاری از مردمان مناطق دیگر جهان نیز نمونه هایی یافت می شود.

سپس با اشاره به نمونه هایی از ادبیات شفاهی و نیز ادبیات معاصر لرستان، بازتاب این آیین در شعر لر به بحث گذاشته می شود.

آیین "پل برون" که می توان آن را به "گیسو بران" در فارسی ترجمه کرد از دیر باز ریشه در آیین ها و اسطوره های کهن مردمان لر دارد. چپستی اسطوره ها را به دین گونه باید بازگو کرد که اسطوره ها خود بازتاب واقعیتی ژرف اند و به صورتی نمادین دریافت های غریزی ما را باز می نمایند. علاوه بر این، اسطوره ها جمعی و اشتراکی اند و از این طریق به زندگی اجتماعی حس کامل بودن و باهم بودن می دهند" (مختاریان 1387: 50).

ز بُنگِ بوی تو گُل بی زبونت

وه بوروت رَشته بیدی پنجَهونت

به اُزنن زَنگَل مال دُور دُرغُون

به فصل سردسیر پِل بُرونت

از بانگ گلبوی تو لال و بی زبان است این گُل / ای که پنجه‌هایت را به هنگام دامادی با باروت آراستی / زنان این قوم در فصل سردسیر گیسو بُران مرگت / گیسوان بُریده شان را به دور حجله گاهت آذین می‌بندند . (ره‌دار، 1382: 24)

## 2. آیین پل برون

پل برون " یکی از رفتار های آیینی مرتبط با مو در هنگام سوگواری است. "پل" در زبان لُری به موی بلندی گفته می شود که بیشتر در پشت سر قرار گرفته و تا کمر آویزان شده باشد.

"برای یافتن معنای بُریدن موی در سوگواری نیاز به یافته‌های انسان شناسی، باستان شناسی و اسطوره‌ها و تحلیل آن ها از طریق رویکردهای علمی اسطوره شناختی است که از دوران پارینه‌سنگی به این سو، از باور به ایزدبانوی بزرگ در فرهنگ جوامع نشانه‌های بسیار دیده می‌شود. در همین فرهنگ‌ها، نقش مو در مراسم خاک سپاری و سوگواری و نسبت آن با ایزدبانوی مادر را به انحاء گوناگون می‌توان سراغ گرفت. آیین‌ها و اسطوره‌های باستان نیز شواهد باستان شناسی در رابطه تصویر این ایزدبانو با آیین سوگواری و پیوند با جهان دیگر را نشان می‌دهند. این ایزدبانو، که حامی مُردگان تصور می‌شد، سرچشمه مرگ و زندگی تلقی می‌گردد. زنان در مراسم سوگواری موی خویش را، که آن نیز نمادی از باران بود، می‌بُردند و از همین جاست که آیین بُریدن مو در سوگواری مرسوم شده است." (مختاریان، 1387: 50)

این آیین در ایران باستان هم رایج بوده است که بازتاب آن در اثر سترگ حکیم توس چنین نمودار است:

همه بندگان موی کردند باز

فرنگیس مشکین کمندِ دراز

بُرید و میان را به گیسو بیست

به فندق گل و ارغوان را بخت

(فردوسی 1369 : 2299-2298)

در فرهنگ لری پل برون که همراه با خستن روی و کندن موی که "ری کندن و می کندن" است طی مراسم خاصی برگزار می‌شد برای راحتی با قیچی و برمزار متوفی گیسوان را که همان "پل" است می‌بریدند سپس توسط یکی از زنان سردیاری و مسن‌تر این گیسوها از مزار برچیده می‌شد و طی مراسمی توسط چند زن و دختر جوان که شاهد بوده‌اند "نشونه و نون" یا "نشون بهسن" می‌شد که همان نشانه گذاری یا علامتگذاری است.

گاه رنگ و گونه و جنس مو نشان از صاحب گیسو داشت که کار "نشونه بهسن" یا نشان اندازی را آسان‌تر می‌کرد این "پل" ها سپس در نزدیکترین فرصت تحویل "پل بریده" یا صاحب گیسو می‌شد برخی آن را تا سال‌ها به نشان از وفاداری نسبت به عزیز از دست رفته نگاهداری می‌کردند، به گونه‌ای که گاه برخی در زمان فوت، موهای بریده شان را با خود به گور می‌بردند. برخی نیز پیش از یک شادیانه نزدیکان این پل‌ها را سربه نیست می‌کردند.

قهرمانان این تراژدی، همان پل بریده‌هایی‌اند که بیشتر همسران مردان متوفی بودند که از این رهگذر، گویی تمامی آیین سوگواری در سیمای بیوه متوفی جلوه‌گر می‌شد که باید رنج عزلت و تنهایی را متحمل شود که در واقع نوعی مرگ اجتماعی است. در پایان این دوره عزلت، پیوند او با خویشاوندان شوهر مرده‌اش گسسته و پایان یافته تلقی می‌شود و او به جهان زندگان باز می‌گردد، مویش را رشد می‌دهد و از آن پس، مجاز به ازدواج مجدد است.

"بدین سان نمادگرایی این آیین خصلتی اجتماعی می‌یابد دارد. شواهدی که در بالا یاد شد نشان می‌دهد که این رسم از سوئی با باور ایزدبانوی بزرگ پیوند داشته و از سوئی قهرمانان اسطوره‌ای نیز این رسم را هنگام از دست دادن عزیزی به کار برده‌اند که همگی همان رابطه منطقی عزلت اجتماعی یا نفی رابطه جنسی به عبارتی عقیم شدن را نمایش می‌دهند که پس از گذراندن این دوران فرد می‌تواند به زندگی عادی خود بازگردد.

پیشینه پژوهش‌های انسان‌شناختی درباره مو و نقش آن در مراسم سوگواری نسبتاً طولانی است. برای مثال ویلکن در سال 1886 مقاله‌ای در این باره نوشته و به این نتیجه رسیده است که در این مراسم و مناسک، دو جنبه آیینی می‌توان تمییز داد: در برخی مراسم مو را می‌برند؛ ریش بلند و موی پریشان جای آرایش موی معمول در زندگی عادی را می‌گیرد. ویلکن، که در این مقاله از بریدن مو در مراسم سوگواری با اصطلاح "قربانی کردن مو" یاد کرده، آن را نه نمادی "جنسی" بلکه نمادی "عام" می‌انگارد. به عقیده او، بریدن آیینی موی سر، بنابر اصل "جزء به جای کل"، جانشین قربانی کردن انسان است چون سر، یعنی محل رویش مو، را جایگاه روح می‌دانستند. هر چند عده‌ای از انسان‌شناسان رابطه آیینی بریدن مو و نحوه آرایش آن را با مسئله جنسی مسلم می‌انگاشتند، اما بیشتر آنان بر این باورند که مو و مراسم و

مناسک آیینی آن نماد نوعی مفاهیم تجریدی فراطبیعی مانند باروری، جوهر و نیروی جان و تن است." (مختاریان 1387: 50)

مالینوفسکی در گزارش های مردمنگارانه خود "تراشیدن کامل موی سر" را ویژگی اصلی عزاداری مردم جزایر تروبریانند می داند:

"این کار به نظر او [مالینوفسکی] با معادله‌ای منطقی اما ناخودآگاه همسویی دارد: عزیزی را از دست دادن مساوی عقیم شدن، مساوی ستردن موی سر. مرگ عزیز یا خویشاوند برای ذهن ناخودآگاه معادل عقیم شدن است و چنین باوری در رسم جزیره نشینان تروبریانند از طریق تراشیدن موی شخص داغ دیده نمایش داده می‌شود. از نظر او به رغم واکنش عاطفی سوگواران در اجرای این رسم، الگوی رفتاری در این آیین سوگواری برخاسته از عواطف و احساسات عزاداران نیست بلکه پیروی آنان از عرف و آیینی جمعی است." (مختاریان 1387: 50)

فرزین، پژوهشگر شاهنامه، در "آیین‌های سوگواری در شاهنامه" می‌گوید:

"سوگواران و داغدیدگان به جز رفتارهایی همچون گریستن، خستن روی، آیین‌های ویژه‌ای مثل بریدن بانوان موی سر خود را و بستن میان با موی مرسوم بوده است" (دلپذیر 1389).

**بَرَدِ شیر و پل بُرون:** به ویژه لره‌های بختیاری بر مزار عزیزان و مردان شجاع و بزرگان هر کُربو "بَرَدِ شیر" می‌گذارند. عده‌ای نیز با برافراشتن ساختمانی چهارطاقی که کوشک می‌گویند بنا کرده که این پل‌های بافته شده و برخی نیز باز شده برگرده ی (کمر) بَرَدشیر و گاه بر سقف کوشک می‌آویختند که تصورش بسیار غم انگیز است.

"بَرَدِ شیر" مجسمه نمادین سنگی از شیر خفته ای (متوفی) است که به خاک سپرده شده است که متأسفانه به معنی غلط و غیر واقعی آن در ادبیات فارسی و دهه‌های اخیر لُری به نام "شیر سنگی" جا افتاده است مثل این می ماند که بگوئیم شیر پلاستیکی یا برنزی و سفالی و... که بسیار نادرست است، واژه بَرَدِ شیر معنی سنگِ مزارِ شیر خفته است. واژه ای آیینی ویژه لره‌های بختیاری است و صلاح است با همین واژه لُری اش بکار آید تا به معنی آن صدمه ای وارد نشود چرا که شیر در اسطوره‌های قومی لُری، نازنام رئیس، بزرگ و نگهبان دودمان و خاندان است نیز در آیین های کهن ایرانی شیر نمادی از نگهبان آتش همچنانکه "تش" در تقسیمات قومی بختیاری شاخه های زیرین یک طایفه را گویند .

از این رو در سوگسروده های فولکِ لُری بختیاری بدون اینکه اسم متوفی بُرده شود از نازنام شیر سخن به میان می آید که مراد فرد مورد نظر است در اینجا به اندکی از این سوگ سروده ها اکتفا می کنیم :

شیرم های ! پل سیت بُرام به دره ی زیر

ئی هئوال کی بره وه شهر دسبیل ؟

شیرم های ! شیر اشکناد سیش بورین پل

پل برون سا بردشیر زیر بند شوشتر

شیرمه شیر ایشکناد به گول بالا

ندونم کی ئی هئوال رسس وه مالا

(آهای ای شیر من(متوفی را ندایی فراخواندن) در دره های زیرین گیسو برایت بئرم تا کدامین کس این اخبار مرگ و گیسوبران مرا به شهر دزفول برساند . ای شیر من ! ای که شیری را شکستی پس برایش گیسو بئرد و این آیین را در سایه ای از " بردشیری در پایین دست بند رودخانه ی شوشتر انجام دهید . شیر من شیری را شکست داد در سرزمین های بالا دست و در شگفتیم که چگونه سرعت اخبار به آبادیها و منزلگاهها رسید .)

### 3. بازتاب آیین پل برون در زبان های لری:

مجموعه زبان های قوم لر شامل طیف متنوعی از زبان های لکی، بختیاری، لرستانی (مینجایی)، ثلاثی و ... می شود که در گستره وسیعی از غرب و جنوب غربی ایران، شامل چند استان کنونی ایران می گردد، این مردم در بخش وسیعی از تجارب فرهنگی، زبانی، تاریخی، نژادی و ... می شود. آیین پل برون و سرایش پیرامون این آیین یکی از این اشتراکات است که با تفاوت های جزئی در زبان ها و گویش های مختلف به چشم می خورد.

**اصطلاحات و ضرب المثل ها:** چنان که گفته شد، پل برون در اصل یکی از رفتار های آیینی مرتبط با مو در هنگام سوگواری است که در فرهنگ مردم لر وجود داشته است. اما گذری به ادبیات لری نشان می دهد اصطلاح "پل بریدن" گاهی جای نفرین هم بکار می رود چون "پل بریده" (شاخه لری بختیاری) "پل بررو، و پل برریا" در شاخه های لکی و "پهل دات سیت بوئره" (شاخه لری لرستانی یا مینجایی) پل پوت بهرا (مراد بریدن مو ریز و درشت)، این نفرین کردن مخصوص حالتی است در حالتی که رفتار یک دختر جنبه ضد هنجار و عرف داشته باشد و در مواردی حتی برای به سخره گرفتن یک مرد خطاب می شود که اشاره ای به عقوبت اجتماعی این رفتار دارد و یا "پل دات بهرا" "پل دیت بهرا" (لری شاخه جنوبی) خطاب به مرد و زن است.

همچنین در لره های گهگیلویه خطاب به زن یا دختر که اصطلاحی تهدیدآمیز است آمده: "تازه پلته سی فلانی ابرم" یعنی فلانی را معدوم می کنم تا تو برایش گیس ببری. که مراد بیش از حد جانبداری کردن یک زن یا دختر از شخصی که مورد غضب قرار گرفته می باشد.

این اصطلاح و مثل نیز از لره های آن دیار و مناطق جنوبی تر رایج است که: "پل بهرسه ری سه کرده" (گیسوی بریده و روی سیاه کرده). مثل دیگر که در میان برخی شاخه های لر بیشتر دیده شده مثل "پل بی او بریدن" است معادل ریش بدون آب تراشیدن برای مردان که در اصطلاح پیش بینی و شرط یقین به کار می رود،

مثلاً "اگر فلانی این کار را انجام نداد من ریشم را بدون آب می تراشم" اما پل بی اب بُریدن بیشتر برای بانوانی است که چشم بسته جانفشانی برای کسی که لیاقتش را ندارد انجام می دهد بکار می رود.

از مثل های متداول دیگر "پل سی مصاحب بُریدن" است (مصاحب به معنی شریک جنسی غیر قانونی و غیر مشروع) وقتی که یک زن شوهرش را عزت ندارد و توجه و دلسوزی بیش از حد به مرد یا زن دیگری غیر از خانواده روا دارد به کار می رود. خودی را رها کردن و به بیگانه چسبیدن شبیه این تعبیر حافظانه "و آنچه خود داشت و ز بیگانه تمنا می کرد" و با کاربردی نزدیک به این مثل فارسی: "چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است".

**ادبیات شفاهی و کهن لری:** در ادبیات شفاهی و قدیمی لرستان، آیین "پل برون" با معانی متعدّدش دستمایه ادبی مهمی فراهم آورده که در ذیل به بخشی از آن ها اشاره می کنیم. شاعران لر به پیروی از این آیین می گویند:

قافله ها میثا ..... (اسم درگذشته) نی ده باشو

دختر و گیس بوئرتیت ریت وا نهاشو

(ادبیات شفایی مردم لر)

\*\*\*

میرنوروز، شاعر لر عهد صفوی هم می گوید ::

آر که مه روزی ده تو بهام جدایی

گیس بُرسه وه سر قورم بیایی

(غضنفری 1365)

\*\*\*

دات بُرا ددیت بُرا همه بُران پهل

همه به کارد ایبرن زینه ت وه خنجل (خنجر)

دات بُرا ددوت بُرا همه بُران می

همه به کارد ایبرن زینه ت وه قیچی

(ادبیات شفایی مردم لر)

\*\*\*

**نمونه هایی از ادبیات و هنر معاصر:** ادبیات و هنر بومی معاصر قوم لر، از شعر و موسیقی گرفته تا حتی فیلم های

سینمایی همواره نگاهی نوستالوژیک به گنجینه میراث فرهنگی قوم، مخصوصاً آیین ها و مراسم سنتی مختلف داشته است. بازتاب آیین پل برون همچنین در سروده های ادبیات معاصر لر نیز به چشم می خورد:

قدیمل مُردنِ هر مردِ خوبی

بهونه ی پل برون زنگل ایبی

چنو سی مُردش پل ایبریدن

که لامردون فرش پل ایبی

(رسول سنایی - شهرستان بهمئی - کهگیلویه - دفتر شعر منتشر نشده)

\*\*\*

گیس برون خاطریامه ری و درگاه سرنوشتم

وا تش همیه خیالت ایقه سوختم تا برشتم

ورخلاصس وا تش باد کپر کل چی رنیم

و زلالی سر خم درد دلمه سیت نوشتم

(خاطره خاتون جلدانی، لری خرم ابادی، چهارمین جشنواره شعر لری بُنه وار - دوم فروردین 1390)

پل بُردن دارل از بس زهته پوئیدن بیو

وا بلازه ی لیکه ی برنو گریوهسم و جات

هر پسین وا سیل آفتو خال بُرگت ایتکه

آسمون ایرمنه سی تپ تپ گروسک واتیات

(محمد حمیدی "دل" - باغملک - مجموعه شعر منتشر نشده پل برون)

در زمینه موسیقی معروف ترین مثال یک آهنگ شناخته شده در موسیقی لرستان است، این شعر و آهنگ اثر جناب "علیرضا نادری" در پیش از انقلاب اسلامی 1357 است که به مشکل اجتماعی بی حجابی می پردازد و به گونه ای طعنه زنان به آیین پل برون اشاره دارد:

دته پلت بوری، یه چه پله شری که

گلونی اه سر نیه هر مانه بز گری که

(ای دختر گیسوانت بریده باد! این چه رفتار نادرستی است، سربند نمی پوشد، مانند یک بز گر است)...  
در زمینه سینما، هممی توان به آیین پل برون در فیلم های خون بس (1369 تولید) اشاره داشت است.

منابع:

- دلپذیر، زهرا (1389). آیین های سوگ در شاهنامه گفتگو با استاد محمد رضا فرزین. در: روزنامه قدس شنبه 9 بهمن. تهران
- رهدار، حسین حسن زاده (1382). کهننگ. اهواز: خالدین
- فردوسی، ابوالقاسم (1369) شاهنامه. تهران: چاپ جلال خالقی مطلق ، دفتر دوم
- غضنفری امرایی، اسفندیار (1365). کلیات دیوان میرنوروز. خرم آباد: انتشارات رشنو
- مختاریان، بهار (1387). موی بریدن در سوگواری. در: فصلنامه نامه ی فرهنگستان، شماره 4 پیاپی 40

مشخصات نویسنده:

حسین حسن زاده رهدار

آدرس : اهواز -زیتون کارمندی خ عباسی بین زمزم وزمرد پ 104 واحد یک

تماس : 09166154083